



۱۰

چند گام به سمت عدالت فرهنگی



۱۱

گفت‌وگو با راغب گلزار، نویسنده کتاب «عصرهای کریسکان» به بهانه تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب

کردستان، ناشناخته و بکر است



۱۲

کانون «بانوی فرهنگ» ۴ ساله شد

رویداد

اعلام نتایج نهایی نخستین کنفرانس ملی نمایشنامه‌پژوهی

نخستین کنفرانس ملی نمایشنامه‌پژوهی ایران در روزهای ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ اسفندماه ۱۳۹۹، به دبیری پروفسور فرهاد ناظرزاده کرمانی از سوی «کانون نمایشنامه‌نویسان و مترجمان خانه تئاتر ایران» با مشارکت «موسسه فرهنگی هنری سپندار جاودان خرد»، در فضای مجازی برگزار خواهد شد.

مقالاتی که برای بررسی به مجلات علمی- پژوهشی همکار با کنفرانس ارسال می‌شود:

۱. اهمیت نمادپردازی در نمایشنامه‌نویسی پس از انقلاب اسلامی ایران.

۲. بررسی تطبیقی جلوه‌های پنهان دراماتیک در نمایشنامه «مرگ یزدگرد بهرام بیضایی» و فیلمنامه «ماهی و گربه شهرام مکری» با رویکرد انسان‌شناسی نمادین.

۳. بررسی تطهیر یا تفسیر شخصیت ضحاک در اقتباس بهرام بیضایی از شاهنامه فردوسی در نگارش نمایشنامه «اژدهاک».

۴. بررسی چگونگی تبدیل یافته‌های پژوهش میدانی به درام مستند، برپایه دیدگاه ستمدیدگان بوال (نگارش نمایشنامه «فریک» براساس تجربه زیسته کودکان و نوجوانان در کمپ ترک اعتیاد).

۵. بررسی نمایشنامه‌های کودک جبار باغچه‌بان؛ با تمرکز بر تاثیر ادبیات عامیانه و توجه به نقش دختران در نمایشنامه‌ها.

۶. تحلیل گفت‌وگو و گفت‌وگومندی در نمایش‌نامه «صیادان» اثر اکبر رادی.

۷. ترجمه فرهنگی در ادبیات نمایشی دوران پهلوی اول و دوم (۱۳۳۰-۱۳۰۰) با نگاهی به دو نمایشنامه از رفیع حالتی و معزالدیوان فکری.

۸. تئوری روایت در ترجمه مجدد متون نمایشی؛ مطالعه موردی ترجمه‌های مجدد «در انتظار گودو».

۹. جستاری درباب ضرورت سنجش، تامل و بازنگری درباره اصطلاح «نمایشنامه» با تاکید بر گفتمان‌های نو در مطالعات تئاتر و هنرهای دراماتیک.

۱۰. خوانشی نو از بازآفرینی هویت ملی در اندیشه ادبیات نمایشی کودک و نوجوان ایران.

۱۱. رفتارشناسی مارکسیست‌های ایرانی از دریچه نشانه‌شناسی فرهنگی با تمرکز بر فعالیت‌های عبدالحسین نوشین و نمایشنامه «مرغ سحر».

۱۲. ریخت‌شناسی نمایش‌های عامیانه زنانه.

۱۳. شخصیت‌پردازی نمایشنامه‌های کودکان (نگاهی به مجموعه ۸ جلدی نمایشنامه کودک امروز).

۱۴. گسست و پیوستگی فرهنگی تئاتر ایران در برخورد با سنت و تجدد پهلوی اول.

۱۵. مطالعه تطبیقی اساطیر ترکیبی و پیکرگردانی در آثار بهرام بیضایی و غلامحسین ساعدی.

۱۶. مطالعه جنبه‌های نمایشی خاطره و خودنگاری در ادبیات نمایشی بر اساس آرای ریکور.

۱۷. نشانه‌شناسی زبان نمایشی در ادبیات دراماتیک با رویکرد استعاره و مجاز.

۱۸. نمود جنبه‌های گزاره‌گرایانه در دو نمایشنامه «موش» و «پروار بندان».

۱۹. واکاوی قابلیت‌های نمایشی منظومه‌های نیما یوشیج با تکیه بر آرای ارسطو، درباره درام.



استاد ایرج افشار در طی سالیان دراز یگانه مرد پژوهش‌های ایران‌شناسی معاصر بود

به مناسبت ۱۸ اسفندماه سالروز درگذشت ایران‌شناس بزرگ و پژوهشگر بلندهمت؛ استاد ایرج افشار

ارج‌نامه ایرج



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

اگر خواننده پر و پا قرص جام جم باشید، در جریانید که در صفحه ۹ روزنامه، ستونی داریم به نام «واقعه» که در آن به فراخور زاد روز یا سالمرگ یکی از اصحاب فرهنگ و هنر، به بیان خاطره‌ای از آن بزرگ می‌پردازیم. اما خوب است بدانید که برای نوشتن درباره برخی از نوادر دوران چه رنجی کشیده‌ایم. نه از این باب که نوشتن از خدمات آن بزرگ سخت و کشف مطالب درباره او ناممکن باشد، بلکه از این منظر که نمی‌توان همه عمر فعالیت حرفه‌ای و مجاهدت‌های بی‌شمار بعضی از این بزرگان را در یک ستون ۴۰۰ کلمه‌ای خلاصه کرد. برای این ادعا، در این لحظه مصداقی بارزتر از زنده‌یاد استاد ایرج افشار نداریم. ایرج افشار ایران‌شناس، پژوهشگر، ادیب، نسخه‌شناس، مصحح متون کهن ادبی، نویسنده و مجله‌نگار بود. یک بار دیگر جمله‌ای که خواندید را از نو بخوانید. مگر می‌شود در یک بازه زمانی ۸۵ ساله به تمامی اینها در بالاترین سطح ممکن رسید؟ افشار ثابت کرد که می‌شود. یادتان است در کتاب‌های درسی‌مان در باب معرفی شاعرانی چون خیام نیشابوری چقدر صفت برایش قطار می‌کردند؟ حکیم، دانشمند، منجم، ریاضی‌دان، شاعر، فیلسوف و چه و چه‌ها. در عصر ما نیز کسانی بوده‌اند که این‌گونه زندگی کرده باشند چنان که پس از مرگ‌شان کوهی از آثار مختلف از آنها به جا مانده باشد و عناوین بسیاری را به آنها نسبت دهند. افشار این‌گونه بود.

شناختن ایرج افشار کاری نیست که بتوانید در یک گزارش کوتاه این‌چنینی به آن برسید. پس این گزارش این هدف را ندارد بلکه دو مقصود دیگر را دنبال می‌کند: نخست این‌که در سالمرگ استاد معظمی که قلبش برای ایران می‌تپید، کاری هرچند ناچیز برای بزرگداشت نامش انجام دهد و دوم آن‌که جوانبی کمتر دیده شده از زندگی افشار را به مخاطب نشان دهد تا این شوق در او پدید آید که به بازشناسی نوادر عصر خود بپردازد. بنابراین پیشاپیش از نپرداختن به برخی جوانب مهم اما شناخته شده زندگی پربار استاد ایرج افشار پوزش می‌خواهیم.

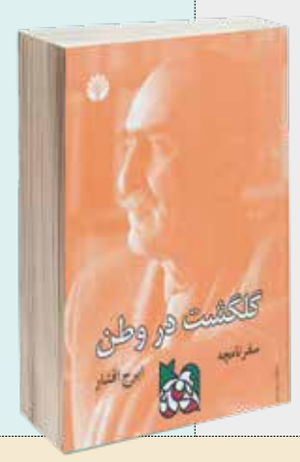
یادی از دکتر محمود افشار یزدی

پدر ایرج افشار، دکتر محمود افشار یزدی بود که طی هفت سال در لوزان سوئیس دوره لیسانس و دکتری حقوق را به پایان برد و از دانشکده علوم سیاسی دانشگاه لوزان درجه دکتری دریافت کرد. پس از بازگشت دکتر محمود افشار به ایران، او در تهران برای گرفتن شناسنامه اقدام می‌کند و نام خانوادگی او را به جای «افشار یزدی» در شناسنامه «دکتر افشار» ثبت می‌کنند. خود ایرج این‌گونه روایت می‌کند که «از او پرسیدند نامت چیست؟ و او گفت من دکتر افشارم. آنها هم نوشتند دکتر افشار!» این شد که نام خانوادگی ایرج افشار در شناسنامه «دکتر افشار» شد. اما افشار هرگز دکتری نگرفت و بنا به گفته دوستان مدرکش «کارشناسی ارشد» بود. اما شاید بپرسید چرا افشار دکتری نگرفت؟ دلیل اصلی‌اش این بود که کسی در دانشگاه تهران نبود که به افشار دکتری بدهد. به این معنا که تمامی کسانی که در دانشگاه تهران عهده‌دار سمت و استاد یا هیأت علمی شده بودند، همگی شاگردان ایرج افشار بودند و کسی در این حد و اندازه نبود که بخواهد به افشار دکتری بدهد!

افشاری که دکتر نبود، نام خانوادگی «دکتر افشار» را نیز بر خود نمی‌پسندید. این شد که نام خانوادگی‌اش را در اثنای عمر به «افشار» تغییر داد. او معتقد بود لفظ «دکتر» برازنده پدرش بود که به واقع دکتر افشار بود و نه خود او!

بیش از ۳۰۰ جلد کتاب و ۳۰۰۰ مقاله!

یک‌بار دیگر تیتر این قسمت را بخوانید. حیرت انگیز نیست؟ تدوین بیش از ۳۰۰ جلد کتاب و ۳۰۰۰ مقاله. مهم‌تر از کمیت این مقاله‌ها و کتاب‌ها که آن هم در جای خود بسیار حائز اهمیت است، از نکات جالب‌توجه آنها گستردگی موضوعی‌شان است. در همین زمینه کتابی به همت میلاد عظیمی منتشر شده با نام «کتاب‌شناسی موضوعی– تاریخی از چاپکرده‌ها و نوشته‌های ایرج افشار». جالب است بدانید خود همین کتاب، یک مجموعه سه جلدی است! کتابی که صرفا به معرفی آثار و تقسیم‌بندی آنها می‌پردازد.



برای شناساندن گستردگی این آثار خوب است به دو نمونه از این چاپکرده‌ها بپردازیم. یکی از مهم‌ترین گنجینه‌هایی که به همت افشار به بازار کتاب عرضه شد، کتابی است دو جلدی به نام «نادره‌کاران». نادره‌کاران مجموعه‌ای است از مطالب کوتاه و بلند در شناساندن رجال فرهنگی ایران و ایران‌شناسان غربی معاصر که ایرج افشار طی ۶۰ سال، پس از درگذشت هریک از ایشان به جهت حق‌گزاری به رشته تحریر کشیده و در نشریات گوناگون منتشر کرده است. این کتاب یاد جمعی را دربردارد (جمعا ۷۳۰ تن) که نویسنده با آنان حشر و نشر یا مکاتبه و ملاقات داشته و آداب و اخلاق و آثار ایشان را می‌شناخته و از جمله وجوه اهمیتش آن است که درباره بعضی از این بزرگان اطلاع چشمگیری در منابع دیگر نیست.

کتاب دیگری که شاید مقایسه آن در کنار «نادره‌کاران» می‌تواند گستردگی شخصیتی افشار را به خوبی به مخاطب بشناساند، کتابی است به نام «گلگشت در وطن».

این کتاب که به سفرنامچه ایرج افشار نیز معروف است، شرح سفرهای نگارنده به شهرهای مختلف ایران از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۸۱ است در این نوشته‌ها، مخاطب تا حدودی با وضعیت فرهنگی، اجتماعی و آب‌وهوایی مناطق مختلف ایران آشنا می‌شود. چهار فرزند برومند افشار کتاب را طی سالیان متمادی جمع و در سال ۱۳۸۴ منتشر می‌کنند. ۱۲ سال بعد در سال ۱۳۹۶ به چاپ دوم می‌رسد! هم‌اکنون چاپ دوم کتاب در بازار کتاب موجود است و بگذارید بگویم که چقدر باید کاهل و غافل بوده باشیم که ۱۲ سال طول بکشد که چنین گنجینه‌ای به چاپ دوم برسد.

همین دو نمونه برای معرفی گستردگی کار ایرج افشار و همت او در گره زدن حوزه‌های مختلف و ایجاد پیوند بین حوزه‌های مختلف ایران‌شناسی کافی است که العاقل یکفیه الاشاره.

ایرج ۴ پسر داشت

ایرج افشار چهار پسر داشت: بابک، بهرام، کوشیار و آرش. از این میانه ایرج، فرزند بزرگ‌تر؛ بابک را بسیار خوش می‌داشت اما مرگ او را در ۵۶ سالگی در ربود و استاد بزرگ ایران‌شناس مرگ فرزند را به چشم دید. یادداشتی از افشار با عنوان «فرزندم بابک» وجود دارد که در آن می‌توان اوج دلبستگی عاطفی و علاقه او را به فرزند دید.

بابک افشار ۱۱ سال در ایران درس خواند و پس از آن مدتی در سوئیس و مدتی در انگلستان بود. افشار در این‌باره می‌نویسد: «در سوئیس از سیدمحمدعلی جمالزاده درخواست کرده بودم که بر او سرپرستی داشته باشد. او از این لطف دریغ نداشت و معمولا یکشنبه‌ها به مدرسه بابک که بر کوه «سالو» نزدیک ژنو بود می‌رفت و او را با خود به گردش می‌برد.»

افشار در همین یادداشت درباره شبی که بابک جان سپرد، می‌نویسد: «بابک ساعت ۱۱ شب روز واقعه در خانه بود و تلویزیون می‌دید اما با گفتن «ماری قلبم درد گرفت» بر زمین می‌افتد. ماری چون جیغ زنان تلفن کرد کمتر از ده دقیقه خودم را رساندم. دیدم اورژانس آمده است. ولی کاری نتوانستند بکنند. با تلفنم سه دوست نازنین دکتر محمد دانش‌پژوه، دکتر علی محمد میر و دکتر احمد میر خود را بر بالین او رسانیدند ولی گریان. آخرین برگ از تاریخ زندگی بابک این شب شوم بود.»

دکتر میلاد عظیمی که از شاگردان افشار بود، روایتی از این شب دارد که حیرت‌انگیز است. او از قول دوستی نقل کرده که: «در شب واقعه بابک افشار، وقتی اطبا مشغول تلاش بودند تا او را به زندگی برگردانند، شخصی تلفن می‌کند. آن شخص در آن برهه مشغول تدوین کتابی پژوهشی بود و گویا از راهنمایی‌های بزرگانی چون افشار در تالیف کتاب موردنظر نیز سود می‌برد. افشار در آن وضع و حال به سؤال‌های آن مرد محترم جواب می‌داد: این را در آن کتاب ببینید و آن را در این مجله بیابید!» در همین حال بابک؛ فرزندش میان مرگ و زندگی ایستاده بود و پزشکان بر بالین او مشغول و نگران بودند. تا این‌که در نهایت پزشکان افشار را از اتاق بیرون کرده بودند که قلبش از دیدن



جان دادن پسر نایستد. اما از آن شخص سوال‌کننده بشنوید که پرسش‌هایش گویا تمامی نداشت. در نهایت افشار گفت: «آقای فلان! بابکم از دستم می‌رود. نمی‌توانم بیشتر از این جواب بدهم. در وقت مناسب‌تری حرف می‌زنیم. تلفن کنید.»

کاغذ اخبار

«تهران، قلهک، کوچه آفتاب» منتشر شد



مجموعه داستان کوتاه «تهران، قلهک، کوچه آفتاب» نوشته محدثه واعظی‌پور منتشر شد. به گزارش ایسنا، این مجموعه داستان در ۶۸ صفحه، با قطع رقعی و قیمت ۲۰ هزار تومان در نشر «عنوان» به چاپ رسیده است. در معرفی این کتاب آمده است: «تهران، قلهک، کوچه آفتاب» شامل هشت قصه‌کوتاه است. تهران، عشق و فقدان، خط مشترک این داستان‌هاست. «بام تهران»، «بهجت‌آباد»، «بزرگراه همت»، «خیابان بهار»، «قلهک»، «میدان خراسان»، «میدان فردوسی» و «میرداماد» داستان‌های این مجموعه هستند. این کتاب در مجموعه «نقره‌فام» و زیر نظر فرهاد قائمیان منتشر شده است. محدثه واعظی‌پور، روزنامه‌نگار از سال ۷۹ کارش را در رسانه‌های سینمایی آغاز کرده و با رسانه‌های مختلفی همکاری داشته است.

آماری از فروش «زمستانه کتاب ۹۹»



ایوب دهقانکار از خرید ۴۴۰ هزار و ۲۷۶ نسخه کتاب به مبلغ ۲۱۴ میلیارد و سه‌میلیون و ۱۹۹ هزار و ۶۷۴ ریال در ۹۳۷ کتابفروشی از ۱۳۱ استان کشور در طرح «زمستانه کتاب ۹۹» خبر داد. به نقل از روابط‌عمومی خانه‌کتاب و ادبیات ایران، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران با پایان شانزدهمین دوره طرح‌های یارانه‌حمایتی از کتابفروشی‌ها با عنوان زمستانه کتاب ۹۹ درباره جزئیات این طرح توضیح داد و گفت: این دوره از طرح زمستانه کتاب ۹۹ با مشارکت و استقبال ۹۳۷ کتابفروشی فعال از ۳۱ استان کشور به پایان رسید. دهقانکار با اشاره به میزان مشارکت کتابفروشی‌ها در طرح «زمستانه کتاب ۹۹» بیان کرد: در این دوره از کل کتابفروشی‌های متقاضی طرح، ۷۱۴ کتابفروشی در مراکز استان و ۲۲۳ کتابفروشی در شهرستان‌ها با یارانه ۲۵ درصدی کتاب‌ها را عرضه کردند. همچنین استان تهران با ۱۴۷ کتابفروشی، خراسان رضوی با ۱۱۱ کتابفروشی، اصفهان با ۹۸ کتابفروشی، قم با ۷۸ کتابفروشی، آذربایجان شرقی با ۵۸ کتابفروشی و کردستان با ۵۲ کتابفروشی بیشترین مشارکت کتابفروشی‌ها را در این دوره از طرح به خود اختصاص دادند.

مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران به میزان خرید کتاب در طرح‌های «پاییزه کتاب» و «زمستانه کتاب» سال ۹۹ اشاره کرد و گفت: ۴۵۸ هزار و ۸۳۳ نسخه کتاب به مبلغ ۱۹۸ میلیارد و ۱۳۷ میلیون و ۵۹۱ هزار و ۷۳۰ ریال در «پاییزه کتاب ۹۹» فروخته شد اما در «زمستانه کتاب ۹۹» این آمار به ۴۴۰ هزار و ۲۷۶ نسخه کتاب به مبلغ ۲۱۴ میلیارد و ۳ میلیون و ۱۹۹ هزار و ۶۷۴ ریال رسیده است.